سرخط

وداع با آیینه

نامادری دوپایش را در یک کفش کرده بود، بدون توجه به نگاه‌های ملتمسانه «زیبا» با اصرار گفت: «پسر عموی من خوشبختت می کنه، اون میلیونره، فقط کمی سنش بالاست، اونم اشکالی نداره.»
زیبا به پدر نگاه کرد، او به دنبال روزنه امیدی بود، پدر سر به زیر انداخت، هیچ نگفت، زیبا خواست او را صدا کند...
نامادری گفت: «دختر، چرا ایستادی؟ زود برو خودتو آماده کن قراره بیان خواستگاریت!»
زیبا به اتاقش رفت، روبه روی آیینه نشست، می‌خواست گریه کند، ابرهای تیره غم، آسمان قلب کوچکش را احاطه کرده بود، به آیینه نگریست، خجالت کشید، آیینه در مدت ۱۶ سال دوستی با زیبا جز خنده نمکین اش ندیده بود.
در دلش غوغایی بود، گریه پنهانش در آیینه شد دیگر آخر خط بود باید مبارزه می کرد، زیبا برخاست، بوسه ای به آیینه زد، بوسه ای که بوی وداع می داد.
پدر، با شنیدن جیغ های درد آلود دخترش به حیاط دوید، زیبا با بدنی شعله‌ور بر روی زمین می غلتید، نامادری با صدای بلند نفرین می کرد، پدر مستاصل از این جهنم خودساخته، به سمت دخترش دوید.
زیبا از بیمارستان مرخص شد، همه با دیدن چهره دخترک چشم می بستند، نامادری دیگر نمی خواست با او سر یک سفره غذا بخورد، پدر مهربانانه زیبا را در آغوش گرفته بود و دخترک را به سمت اتاقش می برد.
دخترک مو طلایی به چهره غمزده پدرش نگریست، او می دانست اتاقش حکم زندان را دارد.
زیبا به یاد تنها دوستش آیینه افتاد، از پدر خواست آن را از اتاقش بیرون ببرد! پدر حیرت کرد.
زیبا که اشک هایش در پشت گونه های سوخته اش زندانی شده بودند، با صدای غمگینانه زمزمه کرد: «می ترسم آیینه هم از دیدن چهره ام وحشت کند!»

پلیس متروی تهران بازداشت کرد

داستان سرایی عجیب ۲ زن جیب بر برای بی‌گناهی

دو زن که جیب برحرفه ای متروهای تهران هستند با داستان سرایی اصرار بر بی گناهی دارند.
شامگاه جمعه اول تیر امسال زن و مرد جوانی در میدان خراسان از اتوبوس شهری پیاده شدند که ناگهان زنی جوان متوجه به سرقت رفتن گوشی تلفن همراهش شد.
همین کافی بود تا ماجرای این جیب بری به ماموران پلیس تهران گزارش شود و با ادعاهای این زوج مال باخته تحقیقات برای دستگیری عاملان این سرقت حرفه‌ای آغاز شد.

■ **۲ زن مرموز**

تجسس ها ادامه داشت تا این که ساعت ۱۰ صبح شنبه ماموران پلیس متروا قدام به جیب بری ناموفق یک زن در داخل واگن زنان مطلع شدند و با توجه به شناسایی سارق از سوی مسافران ماموران در ایستگاه مترو دروازه دولت اقدام به دستگیری زن جوان کردند.
زن مرموز سعی داشت خود را بی گناه معرفی کند که در همین لحظه زن جوان دیگری به سمت مامور پلیس و زن جوان رفت و با چرب زبانی سعی کرد برای فراری دادن زن جیب بر نقش آفرینی کند که ماموران به رفتارهای این زن مشکوک شدند و او را نیز دستگیر کردند.
دو زن جوان در اختیار ماموران پلیس مترو قرار گرفتند و در حالی که ادعا می کردند همدیگر را نمی شناسند پلیس متوجه شد نام خانوادگی متهمان یکی است و جالب تر این که شماره تلفن همراهشان در گوشی هایشان ثبت شده بود.
ماموران مترو در ادامه تحقیقات متوجه شدند که یکی از زنان که فاطمه نام دارد از سارقان سابقه دار است در حالی که تیم پلیسی در حال بازجویی از متهمان بود یک پیامک به گوشی تلفن همراه فاطمه رسید که در آن نوشته شده بود گوشی تلفن همراهم را پس بدهید هرچقدر پول بخواهید به شما می دهم.
همین پیامک کافی بود تا از سرقت های این دو زن جوان فاش شود اما آن ها اصرار داشتند که بی گناه هستند و سیم کارت را از یک جوان خریده اند.

■ **گفت‌وگو با زن جیب بر**

فاطمه ۳۰ ساله که اعتیاد به ماده مخدر شیشه دارد ادعا می کند که تنها قصد کمک به دوستش را داشته و در ماجرای سرقت نقشی نداشته است.

• **اعتیاد داری؟**

بله، سه سال است که شیشه مصرف می کنم.

• **چطور معتاد شدی؟**

در زندان بودم که با هم سلولی هایم صمیمی شدم و بعد از آزادی همراه آن ها بودم و در کنار دوستانم شروع به مصرف شیشه کردم.

• **چرا زندان بودی؟**

مجبور بودم، باید خرجی خانه مان را می دادم به همین دلیل دست به دزدی زدم.

• **شیوه و شگرد؟**

به یک کلینیک رفتم و در آن جا کیف یک زن را سرقت کردم که خیلی زود هم دستگیر شدم.

• **الان به چه جرمی دستگیر شدی؟**

دلم برای خانمی که دستگیر شده بود سوخت رفتم کمکش کنم که خودم هم گرفتار شدم.

• **مرجان را نمی شناسی؟**

نه.

• **اما نام خانوادگی تان مثل هم است؟**

خوب همشهری هستیم.

• **شماره تلفن همراهتان هم در گوشی هایتان ثبت شده است؟**

در شوش زندگی می کنیم و بچه محل هستیم.

• **پس همدیگر را می شناسید؟**

بله.

• **سیم کارت سرقتی همراهتان بود؟**

همراه مرجان بود که او هم از یک نفر خریده و از سرقتی بودن آن اطلاع نداشته است. **هزینه**

• **اعتیاد و زندگی را از کجا تامین می کنی؟**

یک هفته است که مواد را ترک کرده ام. قبلا در شیراز کار می کردم و بعد از ترک دوباره شروع به کار می کنم.

• **در شیراز چه کاری می کردی؟**

خلاف می کردم.

■ **اصرار بر بی گناهی**

مرجان ۳۵ ساله که شوهرش به دلیل حمل مواد مخدر در زندان است می گوید که بی گناه است و برای شوهرش نیز دسیسه چینی کرده اند و او هم بی گناه است.

• **سابقه داری؟**

نه.

• **الان چرا دستگیر شدی؟**

یک سیم کارت از شوش خریدم و نمی دانستم سرقتی است.

• **به چه قیمتی سیم کارت خریدی؟**

۱۵ هزار تومان.

• **چرا از آن جوان ناشناس سیم کارت را خریدی؟**

چون ارزان می فروخت و اگر از کیوسک روزنامه فروشی می خواستم بخرم باید ۵۰ هزار تومان می دادم.

• **سیم کارت را برای چه می خواستی؟**

برای پسرم که داخل لپ تاپش بگذارد و بازی کند.

• **پس وضعیت مالی خوبی داری؟**

نه، پسرم مریض است و یک نیکوکار کمکم کرده تا پسرم را به بیمارستان ببرم و لپ تاپ برای پسرم خریده است.

• **شوهرت چرا در زندان است؟**

پسرعمویم دسیسه چینی کرد و مواد داخل خودروی شوهرم گذاشت و پلیس او را دستگیر کرد.

• **یعنی شما چون بی گناه هستید دستگیر می شوید؟**

نه، شوهرم خودش نیز اعتیاد داشت.

خودت هم اعتیاد داری؟

نه، قرص اعصاب و روان می خورم.
بنابراین گزارش، دوزن جیب بر برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس تهران قرار دارند.

زنانی که مهارت نه گفتن را ندارند

دکتر کاظم قجاوند جامعه شناس و استاد دانشگاه

به دنبال افزایش سطح توقعات و نیازها در جوامع شهری و صنعتی ممکن است برخی زنان با وجود داشتن همسر و خانواده برای رفع نیازهای مالی خود از روش هایی استفاده کنند که مطابق با هنجارهای اجتماعی نباشد و همین موضوع موجب فروپاشی بنیان خانوادگی آن ها شود.

از دیدگاه جامعه شناختی گاهی اوقات برخی افراد برای رسیدن به اهداف شوم خود از روش ها و وسایل مختلفی استفاده می کنند که در بسیاری از موارد این شیوه ها و روش های دستیابی رفع نیاز در جامعه جرم تلقی می شود، متاسفانه به دنبال افزایش سطح توقعات غیرمنطقی و انتظارات برخی از زنان و نداشتن درآمد یا مهارت کافی برای اشتغال، آن ها روش های مجرمانه ای مانند سرقت را برای رسیدن به پول انتخاب می کنند.

جذب نشدن به بازار کار، عده ای از زنان را مجبور به سرقت می کند. برخی از آن ها هیچ تلاشی برای کسب درآمد حلال نمی کنند و می خواهند با روش های بزهکارانه به اهداف مادی خود برسند. این زنان در جیب بری و سرقت، حرفه ای می شوند و وقتی در کوتاه ترین زمان ممکن درآمد هنگفتی را به دست می آورند دیگر برای یافتن شغل مناسب تلاش نمی کنند.

در واقع برخی از آن ها از پیامدهای سرقت مطلع نیستند و دستگیری و تحمل محکومیت را جدی نمی گیرند و تصور نمی کنند محکومیت های طولانی در انتظارشان است. به همین دلیل عموما این دسته از زنان از نظر شخصیتی افرادی هستند که روش های هیجان مدار را به جای راه حل محور انتخاب می کنند و توانایی تجزیه و تحلیل پیامدهای تصمیم گیری را ندارند.

این قبیل زنان مهارت نه گفتن را ندارند و تحت تاثیر دوستان خود به جرم و بزه روی می آورند و نمی توانند توقعات خود را محدود و به طور منطقی هزینه را با درآمدشان هماهنگ کنند و اغلب آن ها از حسادت و خشم بالایی هم برخوردارند.

درخور ذکر است، یکی از دلایلی که باعث می شود برخی زنان با وجود داشتن همسر و خانواده به این جرایم گرایش پیدا کنند، اعتیاد است. آن ها به دلیل تامین هزینه های اعتیاد شان به بزهکاری و سرقت روی می آورند.

مهمانی سیاه زن و ۲ دخترش برای مردان ثروتمند

اعضای یک باند خانوادگی با ترفندی خاص مردان پولدار را به خانه شان می کشاندند و با فیلم های سیاه از آن ها اخاذی می کردند. در این پرونده اعظم ۵۰ ساله متهم است با همدستی دو دختر ۲۷ و ۱۹ ساله اش به نام های مبینا و ماهرو و پسر ۲۹ ساله اش میثم از اوایل سال ۹۵ با ترفندی خاص پنج مرد پولدار را به دام انداخته اند تا از آن ها باجگیری کنند.

■ **در دادگاه**

صبح دیروز اعضای این باند خانوادگی در شعبه ۷ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند. در پی محاکمه اعضای این باند یکی از مردان فریب خورده در جایگاه ایستاد و گفت: من سوار خودروی شاسی بلند از اتوبان ستاری عبور می کردم که زنی به همراه دو دخترش را در حاشیه اتوبان سوار خودرو کردم. مبینا به من گفت وضعیت مالی خوبی ندارند. آن ها مرا به خانه شان دعوت کردند تا وضعیت مالی شان را به من نشان دهند اما به محض این که به خانه رفتیم پسری جوان در حالی که چاقو در دست داشت از اتاق بیرون آمد و به سمت من حمله کرد. او با چاقو مرا زد و با تهدید از من خواست تا لباس هایم را در بیاورم. ماهرو نیز که آن موقع دختری نوجوان بود از من فیلم برداری کرد. آن ها می گفتند فیلم را پخش می کنند و آبروی مرا می برند. از من پول خواستند و من کارت عابر بانکم را به آن ها دادم. آن ها یک و نیم میلیون تومان پول نقدی را که همراه داشتم و چهار میلیونی را که در کارت عابر بانکم بود به زور از من گرفتند و مرا رها کردند.
سپس اعظم مادر خانواده در دفاع از خود گفت: چند سال قبل به خاطر اعتیاد از همسرم جدا شدم. در یک آرایشگاه کار می کردم تا این که مینا از دواج کرد و صاحب یک فرزند شد اما از همسرش جدا شد. او مدتی بود صیغه مردی شده بود اما شوهر صیغه ای او به زندان افتاد و برای آزادی اش نیاز به وثیقه ۳۰ میلیون تومانی داشت. دخترم برای شوهرش بی تابی می کرد به همین دلیل پیشنهاد اخاذی از مردان پولدار را مطرح کرد.
وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود ابراز پشیمانی کرد و گفت: باور کنید من به خاطر دخترم ناچار شدم با او در این مسیر همراه شوم. می دانم اشتباه کرده ام. پسرم مردان پولدار را کتک می زد و مبینا از آن ها اخاذی می کرد اما حالا حاضرم جرم دختر و پسرم را گردن بگیرم تا آن ها آزاد شوند و از زندان بیرون بروند و من تا ابد در زندان بمانم. سپس مبینا گفت: شوهر صیغه ای ام مدام از زندان تماس می گرفت و از من می خواست تا وثیقه ۳۰ میلیونی را جور کنم تا او آزاد شود. من شرایط روحی بدی داشتم تا این که یک روز که به سولاریوم رفته و آرایش غلیظی کرده بودم از آرایشگاه خارج شدم و یک خودرو جلوی پایم ایستاد. راننده پولدار پیشنهاد برقراری رابطه را مطرح کرد و در عوض یک چک ۱۰ میلیون تومانی به من داد. آن جا بود که به ذهنم رسید می توانم به همین راحتی ۳۰ میلیون تومان را برای آزادی شوهرم جور کنم. من دقیقا همان روزی که مبلغ وثیقه را برای آزادی شوهرم جور کردم به دام پلیس افتادم.
سپس ماهرو که هنگام بازداشت نوجوان بود گفت: من بعد از دستگیری از سوی دادگاه انقلاب به اتهام فیلم برداری و فساد به پنج سال حبس محکوم شدم که تسلیم به رای شدم و حالا دو سال از محکومیت ام را هم گذرانده ام. باور کنید من هیچ فیلمی از مردان غریبه نمی گرفتم فقط گوشی تلفن همراهم را به سمت آن ها می گرفتم تا فکر کنند در حال فیلم برداری هستم. الان چند روز است که فهمیده ام شاکی ها حاضر به گذشت نیستند به همین دلیل در زندان اعتصاب غذا کرده ام و تا وقتی هم که آن ها رضایت ندهند اعتصابم را نمی شکنم. میثم نیز گفت: قبول دارم وقتی خواهرم مردان غریبه را به خانه می آورد عصبانی می شدم و آن ها را کتک می زدم. می دانم اشتباه کرده ام.
بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

نقشه شوم دختر جوان برای آگهی های «دیوار»

دختر جوان وقتی پای در خانه مردانی می گذاشت که آگهی همخانه در سایت دیوار داده بودند ماموریت داشت آن ها را بیهوش کند. دو مرد و یک زن نقشه ماهرانه ای را برای سرقت از خانه مردان تهرانی طراحی کرده بودند.
از ساعت ۴ بامداد روز ۴ تیر امسال وقتی مرد جوانی پلیس تهران را از سرقت خانه اش توسط یک دختر ۲۵ ساله مطلع کرد سناریوی سریالی عجیبی پیش روی ماموران قرار گرفت.
این مرد به تیمی از ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران گفت: من آگهی داده بودم تا همخانه داشته باشم.
روز ۳ تیر بود زنی که ادعا می کرد برای برادرش که دانشجوست به دنبال خانه است به من مراجعه کرد. ساعت ۱۰ شب بود که این زن که الناز نام داشت به خانه ام آمد و گفت برادرم در راه است تا او برسد من نگاهی به خانه بیندازم. بعد از دقایقی الناز به من آب میوه ای که همراهش بود تعارف کرد من هم پذیرفتم و خوردم که پس از گذشت ۲۰ دقیقه حالت سرگیجه به من دست داد و بیهوش شدم. وقتی چشم باز کردم متوجه شدم ۴ ساعت گذشته است و خبری از زن جوان نیست و اموال زیادی از قبیل لپ تاپ، تبلت، گوشی تلفن همراه و طلاها به ارزش ۶۰۰ میلیون ریال به سرقت رفته است.

دوربین های مداربسته اطراف خانه این مرد نشان داد دختر جوان از یک خودروی مزدا ۳ سفید رنگ پیاده شده و ۳۰ دقیقه بعد همدست وی نیز وارد خانه شده است تا سرقت را انجام دهند.
همین کافی بود تا ردیابی های پلیسی به جوان ۲۸ ساله ای به نام رامین ختم شود و او در شهرستان بهارستان به دام بیفتد.
رامین خیلی سریع اقرار کرد سرقت ها را با همدستی دختر و پسری به نام های فریبا و خشایار انجام داده است. فریبا و خشایار در بولوار اشرفی اصفهانی و خیابان سهرودی دستگیر شدند و به هشت سرقت مشابه با شگرد بیهوشی اقرار کردند که در همه آن ها طعمه هایشان را از «سایت دیوار» انتخاب کرده بودند.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت دوم)
کدفراخوان ۳۲۱۲۱۰۷
شماره مجوز : ۱۳۹۸/۳۱۸۸

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران / منطقه زاهدان **موضوع مناقصه:** راهبری و کاربری خودروهای استیجاری (تاکسی سرویس) **محل اجرای کار:** شهرستانهای زاهدان- زابل- خاش- سراوان
میزان حجم کار: جمعاً تعداد دوازده دستگاه خودرو سواری مناسب (دو دستگاه زابل، یک دستگاه خاش، یک دستگاه سراوان و ۸ دستگاه زاهدان با حدود ۴۵۰۰۰ ساعت کار و ۴۰۰۰۰۰ کیلومتر پیمایش برون شهری در سال
تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه گران: ده روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم با مراجعه به سایتهای WWW.MONAGHESE.NIOPDC.IR، WWW.ZAHEDAN.NIOPDC.IR، WWW.IETS.MPORG.IR بخش مناقصات منطقه زاهدان نسبت به دریافت و تکمیل فرم ارزیابی کیفی مربوط به مناقصه گران اقدام و فرم های تکمیل شده را به دبیرخانه کمیسیون مناقصات منطقه واقع در زاهدان، خیابان دانشگاه، سه راه دانش، جنب پل شهدای وحدت شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه زاهدان تحویل نمایند.
تلفن های تماس: ۳-۳۳۴۲۸۳۰۱-۰۵۴ داخلی ۱۲۱
نوع و مبلغ تضمین ارجاع در فرآیند کار: تضامین قابل قبول یکی از تضامین معتبر در آئین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ می باشد. (پس از ارزیابی کیفی و طی دعوت نامه رسمی به شرکتها، پیمانکاران و یا تاکسی سرویسهایی که امتیاز قابل قبول کسب کرده اند اطلاع رسانی می گردد.)
برآورد مناقصه به مبلغ ۹/۳۶۸/۴۸۰/۰۰۰ ریال می باشد.
شرایط متقاضی: ۱-ارائه درخواست کتبی برای شرکت در مناقصه با امضاء مدیرعامل از سوی شرکتهای دست اندرکار و یا آژانسهای دارای پروانه مجاز ۲-ارائه تاییدیه از کارفرمایان قبلی و کپی قراردادهای مربوطه
۳-خلاصه سوابق کاری و کپی مستندات مربوطه
۴-تصویر اساسنامه و آخرین آگهی تغییرات
۵-لیست امکانات مالی و فنی
۶-اعلام مشخصات و سوابق شغلی و تحصیلی اعضاء هیات مدیره شرکت
۷-گواهی تاییدیه صلاحیت و ایمنی از اداره کل کار و امور اجتماعی استان
۸-پس از بررسی و تایید سوابق و مدارک متقاضیان برای واجدین شرایط دعوتنامه رسمی شرکت در مناقصه ارسال خواهد شد.
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زاهدان
۹۸۰۷۰۴۴۳/ش

آگهی تغییرات شرکت آلفا نیرو توس شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۹۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۸۱۰۶۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی آگاهان تراز بهروش پارس به شماره ملی ۱۰۱۰۰۶۴۷۱۵۹ به عنوان بازرس اصلی و آقای پورنگ تقوی به شماره ملی ۴۱۳۲۴۵۲۹۰۵ به عنوان بازرس علی البدل به مدت یک سال تعیین گردیدند.
روزنامه خراسان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۱۰۳)
۹۸۰۷۱۲۳۸/م

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و بازرگانی پاژ بهفر ایرانیان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۵۶۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۷۴۱۹۱
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱-آقای داود بهلول خیبری(کدملی ۰۹۴۳۳۹۱۷۶۸) بعنوان عضو و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل
۲-آقای بهروز صباغ پور فرد(کدملی ۰۰۶۲۳۲۸۷۴۳) بعنوان عضو هیئت مدیره ۳-آقای علی بهلول خیبری (کدملی ۰۹۳۷۷۳۹۵۴۵)بعنوان عضو و نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند و کلیه اسناد و اوراق تعهد آور ، چک ها ، بروات ، قراردادها و سفته ها با امضاء رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و یا با امضاء نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۵۹۱۲۸)
۹۸۰۷۱۲۴۹/م

آگهی تغییرات شرکت حمل و نقل کالای داخلی شرق رانان تابیاد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۲۱۰۰۶
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ و برابر نامه شماره۲۲/۱۲۰۲۲مورخ۹۷/۱۰/۱۲انجمن صنفی کارفرمایان شرکتها و موسسات حمل و نقل داخلی کالای شهرستان تایباد تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محمدرضا رحیمی به شماره ملی:۰۷۴۸۳۹۰۴۳۱ به سمت رئیس هیت مدیره وآقای جلیل محمدی به شماره ملی: ۰۷۴۹۵۱۲۷۶۸ بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای امیر فرهادی به شماره ملی: ۰۷۴۹۳۷۳۴۲۳ به سمت عضوهیات مدیره شرکت برای مدت دو ۲سال انتخاب گردیدند -آقای حمیدرضا رحیمی شماره ملی: ۰۷۴۸۳۹۰۴۴۸ به سمت مدیرعامل خارج از اعضای هیئت مدیره شرکت برای مدت دو سال انتخاب شد
-کلیه اسناد و اوراق بهادار وتعهدآور بانکی به امضای ثابت آقای حمیدرضا رحیمی (مدیرعامل خارج از اعضای هیئت مدیره) و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبرخواهد بود
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تایباد (۵۵۹۱۷۹)
۹۸۰۷۱۲۶۰/م